

پرسش ۱۵۳: آیا بر ابلیس به خاطر سجده نکردن گناهی وارد است؟

سؤال / ۱۵۳: لو كان ذنب إبليس (لعنه الله) عدم السجود لآدم (عليه السلام)، فإن الآية تشير إلى الملائكة وليس الجن، فهل نستطيع أن نقول إنها حجة له، والأمر بالسجود للملائكة، وليس الجن؟

اگر گناه ابلیس (لعنه الله) سجده نکردن بر حضرت آدم (عليه السلام) بود، خطاب آیه به فرشتگان است و نه جن! آیا می‌توانیم بگوییم که آن آیه، حجّت و دلیلی برای او می‌باشد و فرمان سجده کردن خطاب به فرشتگان بوده و نه جن؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين

إبليس (لعنه الله) من الجن بحسب أصله ([412])، وهو من الملائكة نتيجة ارتقائه في تلك المرحلة التي أمر بها الملائكة بالسجود، فالأمر للملائكة يشملها باعتبار أنه من الملائكة في تلك المرحلة.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليمًا.

ابلیس (لعنه الله) بر حسب اصل وجودش از جن است ([413]) ولی او در نتیجه‌ی ارتقا یافتن به آن مرحله‌ای که فرمان سجده‌گزاری به فرشتگان رسید، جزو فرشتگان محسوب می‌شد؛ بنابراین فرمان به فرشتگان او را هم شامل می‌شد به این اعتبار که او در آن مرحله در شمار فرشتگان بوده است.

فَالْجَنُّ خُلِقُوا مَكْلُفِينَ فَإِنْ أَطَاعُوا اللَّهَ ارْتَقَوْا إِلَىٰ مَرْتَبَةِ الْمَلَائِكَةِ فَيَصْبِحُونَ مَلَائِكَةً، وَالْإِنْسُ فُطِرْتَهُمْ أَعْظَمَ؛ حَيْثُ إِنَّهُمْ إِذَا أَطَاعُوا اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَتَعَالَىٰ يَرْتَقُونَ حَتَّىٰ يَكُونَ الْإِنْسَانُ وَجْهَ اللَّهِ وَيَدَ اللَّهِ (414)]، كَمَا هُوَ حَالُ خُلَفَاءِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) (415)]، فَالْإِنْسَانُ إِذَا أَطَاعَ اللَّهَ يَرْتَقِي فِي مَرْتَبَةٍ أَعْلَىٰ مِنْ مَرْتَبَةِ الْمَلَائِكَةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ).

جَنِّيَانِ، مَكْلَفٌ أَفْرِيدُهُ شَدِيدَةٌ؛ إِنْ خَدَا رَا اطَاعَتِ كُنُنْدَ بِهِ جَايْغَاهُ فَرَشْتِغَانِ ارْتِقَا مِي يَابُنْدِ وَ از جمله ی فرشتگان می گردند. فطرت انسان ها برتر از آنها است؛ زیرا اگر خداوند سبحان و متعال را اطاعت کنند تا آنجا ارتقا پیدا می کنند که انسان وجه الله و يد الله می شود، (416)] همان طور که وضعیت خلفا و جانشینان خداوند (علیهم السلام) در زمینش اینگونه است. (417)] پس انسان اگر خدا را اطاعت کند، به مرتبه ای والاتر از مرتبه ی فرشتگان (علیهم السلام) ارتقا می یابد.



[412]- قال تعالى : (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ . . .) الكهف : 50، عن جميل بن دراج ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : سألته عن إبليس أكان من الملائكة ؟ وهل كان يلي من أمر السماء شيئاً ؟ قال : (لم يكن من الملائكة ، ولم يكن يلي من السماء شيئاً ، كان من الجن وكان مع الملائكة ، وكانت الملائكة تراه أنه منها ، وكان الله يعلم أنه ليس منها ، فلما أمر بالسجود كان منه الذي كان) بحار الأنوار : ج 11 ص 119.

[413] - حق تعالی می فرماید: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ . . .) (و آنگاه که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، همه جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سربرتافت سجده کردند....) (کهف: 50). از جميل بن دراج نقل شده است: از ابو عبد الله ع پرسیدم: آیا ابلیس از ملائکه است؟ و آیا او از امر و اخبار آسمان چیزی می داند؟ فرمود: (از ملائکه نیست و از اخبار آسمان چیزی نمی داند. او از جنیان و همراه با ملائکه بود. ملائکه او را از خود می دیدند در حالی که خداوند می داند که او در زمره ی آنها نمی باشد. وقتی امر به سجده شد، آنچه اتفاق افتاد، از او سر زد). بحار الانوار: ج 11 ص 119.

[414]- عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: (لما أسري بالنبی (ص) قال: يا رب ما حال المؤمن عندك؟ قال: ... وما يتقرب إلي عبد من عبادي بشئ أحب إلي مما افترضت عليه وإنه لیتقرب إلي بالنافلة حتى أحبه فإذا أحببته كنت إذا سمعه الذي يسمع به وبصره الذي يبصر به ولسانه الذي ينطق به ويده التي يبسط بها، إن دعاني أجبتة وإن سألتني أعطيتة) الكافي : ج 2 ص 352 - 353، باب من أذى المسلمين واحتقرهم، ح 7 و 8.

[415] - عن عبد المزاحم بن كثير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: (كان أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: أنا علم الله وأنا قلب الله الواعي ولسان الله الناطق وعين الله الناظر وأنا جنب الله وأنا يد الله) بصائر الدرجات للصفار: ص 84. عن محمد بن حمران عن أسود بن سعيد قال: كنت عند أبي جعفر (عليه السلام) فأنشأ يقول ابتداء منه من غير أن أسأله: (نحن حجة الله، ونحن باب الله، ونحن لسان الله، ونحن وجه الله، ونحن عين الله في خلقه، ونحن ولاة أمر الله في عباده) الكافي: ج 1 ص 145.

[416] - از ابا جعفر ع روایت شده است که فرمود: (هنگامی که رسول خدا ص به معراج برده شده عرض کرد: ای پروردگار! حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ فرمود: و هیچ یک از بندگانم بمن تقرب نجوید مگر با عملی که نزد من محبوبتر باشد از آنچه بر او واجب کرده‌ام، و به درستی که به وسیله‌ی نماز نافله بمن تقرب جوید تا آنجا که من دوستش دارم، و چون دوستش بدارم آنگاه گوش او شوم که با آن بشنود، و چشمش شوم که با آن ببیند، و زبانش گردم که با آن بگوید، و دستش شوم که با آن برگیرد، اگر بخواندم اجابتش کنم، و اگر خواهشی از من کند به او بدهم). کافی: ج 2 ص 352 و 353، باب کسی که مسلمانان را اذیت کند و حقیر شمارد، ح 7 و 8

[417] - از عبد المزاحم بن كثير از ابو عبد الله ع روایت شده است که فرمود: (امیر المؤمنین ع می فرمود: من علم خدا و من قلب بیدار خدا و زبان گویای خدا و چشم بینای خدا هستم و من جنب خدا و دست او هستم). بصائر الدرجات صفار: ص 84. از محمد بن حمران بن اسود بن سعید روایت شده است: نزد ابو جعفر ع بودم که بدون اینکه کسی از او سوال کند شروع به صحبت کردن نمود: (ما حجّت خدا، و ما باب خدا، و ما زبان خدا، و ما وجه خدا، و ما چشم خدا در خلقش هستیم، و ما والیان امر خداوند در میان بندگان می باشیم). کافی: ج 1 ص 145.